

کادپما

مبارک نافر جام شارون



مریم شریعتی امین

سیاست و حکومت / اسرائیل



شابک: ۷۸-۶۰۰-۹۷۶۲۳-۴-۷

شماره کتاب شناسی ملی: ۶۴۶

عنوان و نام پدیدآور: کادیما: میراث تأثیرم / رون / مریم شریعتی امین.
مشخصات نشر: تهران: نشر فلات، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۲۴۶ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۳۱] - ۲۴۶.

موضوع: شارون، آریل، ۱۹۲۸ - ۲۰۱۴ م.

موضوع: Sharon, Ariel

موضوع: حزب کادیما (اسرائیل)

موضوع: حزب های سیاسی -- اسرائیل

Political parties -- Israel

موضوع: اسرائیل -- سیاست و حکومت

Israel -- Politics and government

موضوع: اسرائیل -- روابط خارجی

Israel -- Foreign relations

رده بندی دیویی: ۹۵۶/۹۴۰۵

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ک ۴ ش ۱۲۶/۵ DS

سرشناسه: شریعتی امین، مریم، ۱۳۵۱ -

وضعیت فهرست نویسی: فیا



کادیم

میراث نافرجام شارود

نوشتهٔ مریم شریعتی امین

مدیر هنری و طراح جلد: شادی تاکی

ویراستار زبانی و صفحه‌آرای متن: بنفشه دادفر

شمارگان: ۵۰۰

چاپ اول: ۱۳۹۷

قیمت: ۳۷۲۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن به صورت

کامل، یا بخشی از آن، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر، انتشار

الکترونیکی، فایل PDF) ممنوع است.

نشر فلات: تهران، خیابان فرجام، ابتدای گلشنی شمالی

شمارهٔ ۳۵، طبقهٔ دوم، واحد ۴. تلفن: ۷۷۷۲۴۳۷۳

www.nashrefalat.com

telegram.me/falatpub

www.instagram.com/falatpub

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۵	فصل اول: چارچوب نظری
۴۵	فصل دوم: احزاب و اسرائیل
۱۰۷	فصل سوم: احزاب و سیاست رنجی اسرائیل
۱۴۷	فصل چهارم: ارزیابی هویتی و رازگر حزب کادیم
۱۷۹	فصل پنجم: کادیم و سیاست خارجی اسرائیل
۲۲۱	نتیجه‌گیری نهایی
۲۳۱	منابع

مقدمه

تحلیل نظام سیاسی کشور، بدون توجه به وابستگی اجزای تشکیل دهنده آنها است. احزاب سیاسی شکل خاصی از گروه‌های اجتماعی‌اند و به عنوان سازمان، تحت فشار گروه‌ها و علایق اجتماعی قرار می‌گیرند. احزاب سیاسی مانند حلقه پیوند میان منافع اجتماعی و راه‌های تصمیم‌گیری سیاسی عمل می‌کنند. رابطه گروه‌های اجتماعی و احزاب سیاسی برحسب عوامل مختلف مانند تعدد احزاب موجود در نظام انتخاباتی معمول و میزان ایدئولوژیک بودن یا انعطاف‌پذیری حزب متغیر است.

ساختار سیاسی، نظام حزبی و گروه‌های اجتماعی را می‌توان در زمره اجزای نظام سیاسی اسرائیل دانست. مطالعه احزاب در رژیم یهودیستی ما را با طیف وسیعی از احزاب و گروه‌های سیاسی آشنا می‌کند. این طیف شگفت‌انگیز قبل از هر چیز نمایانگر ناهمگونی اجتماعی در یک جامعه مصنوعی است که اعضای آن از سرزمین‌های مختلف با فرهنگ‌ها، زبان‌ها و طرز فکرهای گوناگون، تنها زیر چتر وابستگی دینی در مکانی گرد آمده‌اند که آن را سرزمین موعود یا ارض اسرائیل می‌خوانند.

به طور طبیعی شکاف‌های عمیق اجتماعی در اسرائیل، در فضای سیاسی این رژیم نیز بروز کرده و نشانه آن نیز چندگانگی، تکثر و تنوع در احزاب سیاسی است. برای این اساس، قطب‌بندی‌های سیاسی و شکل‌بندی احزاب در اسرائیل همواره برخاسته از شکاف‌های اجتماعی موجود در این رژیم بوده است. همین امر فرایند سیاسی را در این رژیم دچار پیچیدگی‌های میقی کرده است. رابطه بین شکاف‌های اجتماعی در اسرائیل سطوح و ابعاد متفاوتی دارد و نهادهای سیاسی، در تعمیق برخی از این شکاف‌ها مانند شکاف قومی و حفظ شکاف مذهبی-سکولار نقش دارند و تلاش می‌کنند با کنترل شکاف‌های اجتماعی، مانع از تبدیل شکاف نژادی به شکاف باز شود که وحدت ملی انحصاری و معرف یهودی‌ها را با تهدید روبه‌رو کند.

شکاف‌های اجتماعی سلسله‌مراتب نیز دارند. برای مثال، شکاف طبقاتی زمینه را برای تقویت شکاف‌های اجتماعی دیگر فراهم می‌کند، اما هم‌زمان نقش ضعیف‌ترین شکاف را بازی می‌کند که شکاف‌های قوی‌تر از خود را تقویت می‌کند. شکاف طبقاتی به دلیل داشتن بعد کارکردی، شکاف‌های اجتماعی دیگر را که ماهیت انسانی دارند تقویت می‌کند. شکاف‌های قومی، نژادی و دینی نیز به ترتیب سلسله‌مراتب روشنی در عرصه اجتماعی-اقتصادی دارند. همه این شکاف‌ها با داشتن شکل‌گیری سازمان‌ها و تشکلهای اجتماعی می‌شوند که انشعاب جغرافیایی و فرهنگی بین گروه‌های متعارض را در جامعه اسرائیل تثبیت می‌کند و تحکیم می‌بخشد.

در جامعه اسرائیل چندین مجموعه وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: عرب‌ها، یهودیان شرقی، یهودیان غربی (اشکناز) سکولار، مذهبی‌های قوم‌گرا، مذهبی‌های حریدیم یا تندروهای یهودی ارتدوکس، عامل سازمانی نیز از نظر ماهیت سیاسی، نهادهای سیاسی، نخبگان و

وابستگی‌های گروه‌ها و هویت‌های اجتماعی‌شان نقش مهمی در بروز شکاف‌های اجتماعی و چگونگی ساختار این شکاف‌ها در اسرائیل و نیز تقویت برخی از شکاف‌های اجتماعی مانند شکاف قومی بازی کرده است. این مسئله به طبیعت دولت و نظام سیاسی برمی‌گردد که بر اساس نژادسالاری شکل گرفته و در واقع تأییدکننده این جدایی است. (عبد، مالی، ۱۳۹۱: ۱۱۲-۸۷)

ریشه‌های احزاب اسرائیلی به پیش از اعلام تأسیس کشور صهیونیستی باز می‌گردد. این احزاب به صورت جنبش‌ها و گروه‌های صهیونیستی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ظهور یافتند و در دهه سوم قرن بیستم به شکل حزب درآید. احزاب اسرائیلی حزابی نبودند که در داخل یک کشور فعالیت کنند، بلکه می‌توان آنها را نهادهای استیطانی (مهاجرتی) و جذب‌کننده مهاجران دانست که کشور را تشکیل دادند. اختلافات شدید در طبقات و جایگاه‌های سیاسی اسرائیل موجب شده تعداد احزاب رژیم صهیونیستی به طور مستمر در حال افزایش و سهم این احزاب از کرسی‌های کنست کمتر شود. امری که به ائتلافی شدن کابینه‌ها و در نتیجه هرچه شکننده‌تر شدن کابینه‌های اسرائیل منجر می‌شود.

مسئله دیگر آن است که اختلاف میان برنامه‌های انتخاباتی احزاب سه‌گانه تا حدی کم است، به عنوان نمونه در مورد برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌توان گفت تفاوتی بنیادین در برنامه‌های انتخاباتی سه گروه وجود ندارد، تنها تفاوت در آن است که برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی در رأس برنامه‌های حزب کار به عنوان مدافع اصلی فقر قرار دارد و توجه به مسائل سیاسی و امنیتی در رأس برنامه‌های حزب لیکود و کادیما قرار دارد. نکته مشخص آن است که هر سه حزب به ضرورت عقب‌نشینی از کرانه باختری و نوار غزه و تشکیل یک دولت فلسطینی ایمان دارند ولی اختلاف نظرشان در مورد جزئیات این دولت، همچنین میزان و چگونگی عقب‌نشینی است.

در مورد شانس پیروزی هر کدام از این احزاب در انتخابات نمایندگی رژیم صهیونیستی باید گفت پیش بینی نتایج انتخابات دشوار است و نمی توان حدس زد پیروز میدان انتخابات چه حزبی خواهد بود.

نظام انتخابات در اسرائیل به گونه ای است که هر حزبی می تواند در قالب هر لیست دلخواه در انتخابات شرکت کند و تنها با کسب ۱/۵ درصد آرای رأی دهندگان، حداقل به یک کرسی در مجلس دست یابد. همین امر سبب شده است نظام انتخاباتی آن را اغلب نظامی سهل و آسان گیر برای حضور احزاب و لیست های انتخاباتی متعدد در پارلمان تلقی کند؛ چرا که حد نصاب دسترسی حداقل به یک کرسی در پارلمان کسب تنها ۱/۵ درصد آرا است. از سوی دیگر، وجود همین حد نصاب سبب ترغیب احزاب کوچک برای شرکت در انتخابات می شود.

مطالعه در خصوص احزاب در اسرائیل نشان می دهد این احزاب هرچه بیشتر به سمت انشقاق و تفرقه شدن حرکت کرده اند. کاهش تعداد احزاب بزرگ و افزایش شمار زیادی از احزاب کوچک، باعث تضعیف نظام حزبی در اسرائیل شده و تشکیل کابینه را مملو از ائتلاف احزاب با یکدیگر کرده است. تشکیل این ائتلاف ها و چگونگی آنها سازم های گسترده سیاسی و اعطای باج های وزارتی را در بین احزاب به دنبال داشته و در مجموع سبب شده هیچ حزبی به تنهایی نتواند در موضوعات مخدنه و ویژه مسائل مربوط به سیاست خارجی به تنهایی تصمیم گیری کند.

احزاب در اسرائیل بر اساس مسائلی با هم رقابت می کنند که مربوط به بعد امنیتی می شود. امنیت، مرکز ثقل سیاست اسرائیل و به طور کلی هدف بسیج سیاسی انتخاباتی از همان ابتدای تأسیس این حکومت بوده و تا کنون نیز بر همین مبنا ادامه یافته است؛ و بر همین اساس تمام رهبران احزاب به دنبال این هستند که مردم را قانع کنند و به آنها اطمینان دهند که توان پایان دادن به مسائل امنیتی را دارا هستند و می کوشند دغدغه اصلی

شهروندان اسرائیلی و شهرک‌نشینان اراضی اشغالی را مرتفع و حل و فصل کنند.

معمولاً تقسیم‌بندی احزاب در اسرائیل براساس معیار ایدئولوژی بین راست و چپ انجام می‌گیرد. این دسته‌بندی احزاب براساس سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که احزاب در پیش می‌گیرند. دسته‌بندی براساس این معیار از طریق شاخصه‌هایی مانند: مطالعه رفتار قانونی حزب در سطح محلی، پارلمانی، تحلیل برنامه انتخاباتی حزب در دوره‌های مختلف برای استخراج یککرد عمومی آن در قبال مسائل اساسی از دیدگاه حزب، بررسی‌های میدانی و نظرسنجی درباره خودشناسی هویتی پاسخ‌دهندگان و میزان ارزیابی بهایار سیاست‌های حزبی انجام می‌شود.

ساختار حزبی اسرائیل اهمیت چندحزبی با دو حزب مسلط را داشته است. عموماً حزب لیکود و کارگر، قابلیت لازم برای ائتلاف‌سازی با سایر احزاب برخوردار بوده‌اند و دولت‌ها براساس هجوریت حزبی و سازمانی خود تشکیل می‌دادند. حزب لیکود توانست موقعیت خود را در ساختار سیاسی و حزبی اسرائیل به‌گونه‌ای ارتقا دهد که زمینه تشکیل دولت از طریق ائتلاف با حزب کارگر را فراهم آورد. در چنین شرایطی، در که ساختار دو حزبی اسرائیل در وضعیت تغییر و ترمیم قرار گرفته است، به‌گونه‌ای که لیکود توانست موقعیت خود را در ساختار حزبی ارتقا دهد.

حزب کادیما در زمره احزابی تلقی می‌شود که توانست به‌مراتب دو حزب لیکود و کارگر، فعالیت‌های خود را گسترش دهد و در روند رقابت‌های انتخاباتی ائتلاف حکومتی ایجاد کند. به‌همین دلیل است که مواضع و رویکرد حزب کادیما براساس الگوی ساختاری آنها در دورانی ارزیابی شده است که قدرت سیاسی را دارا بودند. جامعه اسرائیل به دلیل شکاف‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و مذهبی همواره درحالتی متلاطم قرار دارد. بازتاب این تلاطم اجتماعی همواره در ساختار سیاسی این کشور مشهود بوده است. برای

• کادیم؛ میراث نافرجام شارون •

نخستین بار در تاریخ نوین اسرائیل، در انتخابات مارس ۲۰۰۶، حزب سومی توانست با در اختیار گرفتن اکثریت (نه چندان قوی) بر دو حزب سنتی لیکود و کارگر غلبه کند. حزب کادیم به دنبال انشعاب فکری و سیاسی در جبهه راست‌گرایان اسرائیل و در حزب دست‌راستی لیکود تشکیل شد.

آریل شارون از پایه‌گذاران لیکود (به عنوان رهبر حزب حاکم) به دلیل مخالفت صریح تندروهای داخلی حزب با طرح خروج اسرائیل از اراضی اشغالی غزه (که در تابستان ۲۰۰۵ به انجام رسید) مجبور به ترک لیکود و تشکیل یک «ما شد». تشکیل حزب سوم یعنی حزب کادیم میراث سیاسی شارون تلقی می‌شود و پیروزی حزب تازه تأسیس در انتخابات پارلمانی تا حدودی به اثر از نام ویاد شارون در کنار این حزب بود. برنامه اصلی کادیم ادامه طرح بک به جانب از سرزمین‌های اشغالی کرانه غربی، حفظ شهرک‌های یهودی نشین کنار خط سبز و تداوم احداث دیوار حائل بود. تغییرات گسترده در نظام سیاسی اسرائیل طی چند سال گذشته که بازتابی از مجموعه تحولات وسیع اجتماعی در اسرائیل است، مبین این مسئله بود که افکار عمومی در اسرائیل از تدبیرهای افراطی بیش از گذشته رویگردان شده است. پیروزی کادیم و تشکیل کابینه ائتلافی اولمرت این باور را تقویت می‌کرد که هیئت حاکمه اسرائیل برای حفظ اسرائیل به عنوان کشوری یهودی و دموکراتیک آمادگی دارد. گام‌های اساسی در جهت تقویت روند صلح و واگذاری سرزمین‌های اشغالی به عربی بردارد. در واقع، رأی‌دهندگان اسرائیلی به برنامه اصلی حزب کادیم یعنی خروج از سرزمین‌های اشغالی کرانه غربی، تداوم احداث دیوار حائل به منظور جدایی از فلسطینی‌ها و فعال کردن فرآیند متوقف مانده صلح اقبال نشان دادند. حزب کادیم موازنه قدرت حزبی در اسرائیل را از حالت دو قطبی به وضعیت سه قطبی درآورد.

توضیح و تبیین جایگاه حزب کادیما در فرآیند سیاست‌های امنیتی و خارجی اسرائیل یکی از موضوعات جالب توجه در مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی است. روند حوادث طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۵ بیانگر این است که حزب مزبور در کنار سایر احزاب سیاسی دخالت مستقیم در فرآیندهای انتخاباتی، برنامه‌های امنیتی، توسعه‌طلبی ارضی و گسترش مداخلات فرهنگی و نظامی در فراسوی سرزمینی این کشور ایفا کرده است. مطالعات نشانگر حضور متغیرهای عمده‌ای نظیر شکاف‌های قومی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی، روان‌شناسی سیاسی نخبگان، قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تعارضات ساختاری است.

به نظر می‌رسد از میان این متغیرها، دو متغیر مذهبی و قدرت‌های فرامنطقه‌ای بیش از سایر متغیرهای نام برده حضور دارند. سؤالاتی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا اسرائیل به حزب سوم‌گرایش پیدا کرد؟ آیا این امر ناشی از ساختار داخلی است یا ضرورت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی آن را منعکس می‌سازد؟ چه ارتباطی میان متغیرهای مذهبی و قدرت‌های فرامنطقه‌ای با جایگاه حزب کادیما در سیاست‌های امنیتی و خارجی اسرائیل ۲۰۱۴-۲۰۰۵ وجود دارد؟ لذا بر اینیم که با پژوهش به تبیین و توضیح جایگاه حزب کادیما در سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل در دوره مذکور بپردازیم.

در نهایت به رسم ادب از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر ابراهیم متقی که از مساعدت ایشان در نگارش این اثر بهره بردم، کمال تشکر را دارم. همچنین از همسر و فرزندانم سپاس‌گزارم که سخاوت‌مندانه ساعتی را که می‌توانستم در کنارشان باشم به من بخشیدند تا بتوانم این کار را به پایان ببرم؛ هیچ گفته‌ای نمی‌تواند بیانگر عمق قدردانی من از ایشان باشد.